

باسمه تعالی

(با سلام از دبیرانی که نگاهت اولیه درس را ملاحظه می کنند خواهشمندیم اگر فعالیت کلاسی مناسبی برای قسمت های مختلف درس مدنظر دارند، در کنار نقدهای خود این پیشنهادات را نیز با ما درمیان گذارند)

خاتم پیامبری

ما كان مُحَمَّدٌ أباً أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ
 وَ لَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ
 مُحَمَّد پدر شما نیست
 بلکه رسول خدا و پایان پیامبران است
 وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا^۱
 و خداوند به هر چیزی آگاه است

خداوند در این آیه پیامبر اکرم(ص) را «خاتم النبیین» معرفی می کند. «خاتم» در لغت به معنی نگین انگشتری است. نگینی که در حقیقت مهر بزرگان نیز محسوب می شد و هرگاه که می خواستند پایان نامه یا سندی را امضاء کنند، مهر را در پایان نامه می زدند و نامه را با آن به پایان می رساندند.

رسول خدا نیز که تمام کننده و پایان پیامبران است، «خاتم النبیین» نامیده شده است. خود پیامبر اکرم(ص) نیز در اجتماعات مختلف، خاتمیت نبوت را یادآوری می کرد^۲ تا پس از ایشان کسی ادعای پیامبری نکند و یا اگر ادعا کرد، مردم فریب او را نخورند و بدانند که او پیامبر واقعی نیست.

در این درس به بررسی این سوال می پردازیم که:

چرا نبوت با آمدن پیامبر اکرم(ص) خاتمه یافت؟

چه عواملی سبب شد که دیگر نیازی به آمدن پیامبر جدید نباشد؟

^۱ احزاب، ۴۰.

^۲ نمونه ی آن حدیث منزلت است که در درس های بعد با آن آشنا می شوید.

عوامل پایان پیامبری

در عصر پیامبر اکرم عواملی که سبب تجدید نبوت و آمدن پیامبر جدید بود، از بین رفت و عواملی که انسان‌ها را بی‌نیاز از کتاب جدید می‌کرد پدید آمد: این عوامل عبارتند از:

- ۱- **آمادگی جامعه بشری برای دریافت برنامه کامل زندگی:** پایین بودن سطح درک انسان‌ها و عدم توانایی آنان در گرفتن برنامه کامل زندگی از عوامل تجدید نبوت‌ها بود. در عصر نزول قرآن، رشد عقلی بشر به میزانی رسیده بود که بتواند کامل‌ترین برنامه را دریافت کند و به کمک این برنامه، پاسخ نیازهای فردی و اجتماعی خود را به دست آورد. در واقع، انسان‌ها وارد دوره‌ای از بلوغ فکری شدند که می‌توانستند با تفکر در این برنامه نیازهای هدایتی خود را در طول زمان‌های مختلف پاسخ دهند و در هر دوره‌ای به معارف جدیدتر و عمیق‌تری دست یابند.
- ۲- **حفظ قرآن کریم از تحریف:** در پرتو عنایت الهی و با اهتمامی که پیامبر اکرم در جمع‌آوری و حفظ قرآن داشت و نیز با تلاش و کوشش مسلمانان در دوره‌های مختلف، این کتاب دچار تحریف نشد و هیچ کلمه‌ای بر آن افزوده یا از آن کم نگردید. به همین جهت این کتاب نیازی به «تصحیح» ندارد و جاودانه باقی خواهد ماند.
- ۳- **وجود امام معصوم پس از پیامبر اکرم:** تعیین امام معصوم از طرف خداوند سبب شد که مسئولیت‌های پیامبر، به جز دریافت وحی ادامه یابد و جامعه کمبودی از جهت راهبری و هدایت نداشته باشد.
- ۴- **پویایی و روزآمد بودن دین اسلام:** دینی می‌تواند برای همیشه ماندگار باشد که بتواند به همه سوال‌ها و نیازهای انسان‌ها در همه مکان‌ها و زمان‌ها پاسخ دهد. دین اسلام این ویژگی را دارد که همواره مطابق با نیازهای مردم، خود را به روز نموده است و ظرفیت پاسخگویی به این نیازها را دارد. برخی از ویژگی‌های دین اسلام که سبب این پویایی شده است عبارتند از:

الف. توجه به نیازهای ثابت و متغیر انسانی: انسان در زندگی فردی و اجتماعی دو دسته نیاز دارد؛ نیازهای ثابت همانند امنیت، عدالت، شغل، معاشرت، دادوستد با دیگران، ازدواج و تشکیل خانواده، تعلیم و تربیت، و حکومت. این نیازها همواره برای بشر وجود داشته است و از بین نمی‌رود. دین اسلام نیز برای تأمین هر کدام از این نیازها قوانین ثابت و مشخصی دارد.

دسته دیگر نیازهای متغیری هستند که از درون همین نیازهای ثابت پدید می‌آیند. انسان‌ها برای تأمین نیازهای ثابت خود، در زمان‌های مختلف، از روش‌های متفاوتی استفاده می‌کنند؛ به عنوان مثال انجام دادوستد یک نیاز ثابت است، اما شیوه دادوستد بر حسب زمان قابل تغییر است؛ دادوستد امروزی (به واسطه اسکناس و کارت‌های اعتباری) با دادوستد گذشته (به واسطه طلا و نقره) تفاوت‌های فراوانی پیدا کرده است. داشتن امنیت هم یک نیاز ثابت است؛ اما چگونگی تأمین امنیت و ابزارها و اسلحه‌هایی که به این منظور به کار گرفته می‌شود در مقایسه با دوره‌های گذشته بسیار متفاوت شده است. معارف اسلام به گونه‌ای است که متخصصان دین می‌توانند از درون آن با توجه به نیازهای جدید به وجود آمده در جامعه، قوانین جدیدی نیاز

درباره بانکداری، اسکناس، خرید و استفاده از سلاح‌های جدید و ... را استخراج کنند و در اختیار مردم قرار دهند.

ب. قواعد تنظیم کننده در اسلام: بر اساس قواعدی در دین اسلام، مقررات اسلامی خاصیت انطباق و تحرک می‌یابند. این قواعد بر همه احکام اسلامی تسلط دارند. یکی از این قواعد مسلط دین اسلام، قاعده «عسر و حرج» است؛ بر اساس آیه قرآنی

ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ^۱ خداوند در دین برای شما مشقت فراوان قرار نداده است

خداوند در دین اسلام حکمی قرار نداده است که با عمل به آن مسلمانان دچار سختی غیر قابل تحمل شوند؛ بنابراین، این قاعده بر احکام اسلامی تسلط دارد. یکی از جنبه‌های تسلط این قاعده به این نحو است که کسی نباید در عمل به احکام اسلامی دچار زیان قابل توجهی شود؛ به عنوان مثال مکلفی که طبق نظر پزشک روزه گرفتن برایش ضرر فراوان دارد نباید روزه بگیرد. خاصیت تنظیم کننده این قاعده موجب می‌شود حکم واجب بودن روزه برای آن فرد در ماه رمضان کنار برود و او در وقت دیگری آن را به جا بیاورد

بر اساس ویژگی‌هایی که بیان شد، دین آخرین پیامبر الهی، کاملترین و شایسته‌ترین برای هدایت تمامی انسان‌هاست و دیگر نیازی به آمدن پیامبر جدید برای آوردن پیام جدید از سوی خداوند وجود ندارد.

برای مطالعه

یکی خط است ز اول تا به آخر	بر او خلق جهان گشته مسافر
در این ره انبیا چون ساریان اند	دلیل و رهنمای کاروان اند
وز ایشان سید ما گشته سالار	هم او اول هم او آخر در این کار
بر او ختم آمده پایان این راه	در او نازل شده «ادعوا الی الله» ^۲
شده او پیش و دل‌ها جمله در پی	گرفته دست جان‌ها دامن وی ^۳

وظیفه مومنان دین سابق

وقتی خداوند پیامبر جدیدی برای هدایت مردم می‌فرستد، وظیفه پیروان دین سابق چیست؟ آیا ادامه پیروی از دین سابق مورد قبول خداوند است؟

همانطور که بیان شد خداوند فقط یک دین برای هدایت انسان‌ها فرستاده است که از آن به «صراط مستقیم» یا «اسلام» تعبیر می‌شود. هر یک از پیامبران این راه را در حد فهم مردم زمان خود بیان کرده‌اند. آمدن پیامبر جدید و آوردن

^۱ سوره حج، آیه ۷۸.

^۲ سوره یوسف، ۱۰۸.

^۳ دیوان گلشن راز، شیخ محمود شبستری.

کتاب جدید نشانگر این است که بخشی از تعلیمات پیامبر قبلی، اکنون برای مردم مناسب نیست و نمی تواند پاسخ گوی نیازهای آنان باشد.

هر پیامبری که می آمد به پیامبر بعدی بشارت می داد و بر پیروی از او تاکید می کرد. بنابراین وجود دو یا چند دین در یک زمان نشانگر این است که پیروان دین قبلی به آخرین پیامبر ایمان نیاورده اند و این خود گمراهی بزرگ و سرپیچی از فرمان خدا و پیامبران گذشته است.

در حال حاضر به جز قرآن کریم هیچ کتاب آسمانی وجود ندارد که تحریف نشده باشد و با اطمینان خاطر بتوان از آن پیروی کرد؛ بنابراین تنها دینی که می تواند مردم را به رستگاری دنیا و آخرت برساند اسلام است:

وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا
وهر کس که دینی جز اسلام اختیار کند
فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ
از او پذیرفته نخواهد شد
وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ^۱
و در آخرت از زیاندیدگان خواهد بود.

برخی تصور می کنند پیامبران مانند فرو شندگان کالا هستند که هر کدام برای خود مغازه ای باز کرده و کالای خود را تبلیغ می کنند و مردم می توانند بین آن کالاها یکی را انتخاب نمایند. در صورتی که پیامبران مردم را به یک چیز و آن ایمان به خدای واحد دعوت می کردند. بنابراین اگر کسی به آخرین پیامبر الهی ایمان بیاورد در واقع به تمام پیامبران سابق نیز ایمان آورده است.

همانطور که خداوند به مسلمانان دستور داده است:

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا
و ما اُنزل الى ابراهيم و اسماعيل و اسحاق و يعقوب و الاسباط
و ما اوتى موسى و عيسى
و ما اوتى النبيون من ربهم
لا نفرق بين احد منهم
و نحن له مسلمون^۲
بگویند: ما به خدا، و به آنچه بر ما نازل شده ایمان آوردیم
و به آنچه بر ابراهیم و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل آمده،
و به آنچه به موسی و عیسی داده شده،
و به آنچه به همه پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده
میان هیچ یک از ایشان فرق نمی گذاریم؛
و در برابر او تسلیم هستیم.

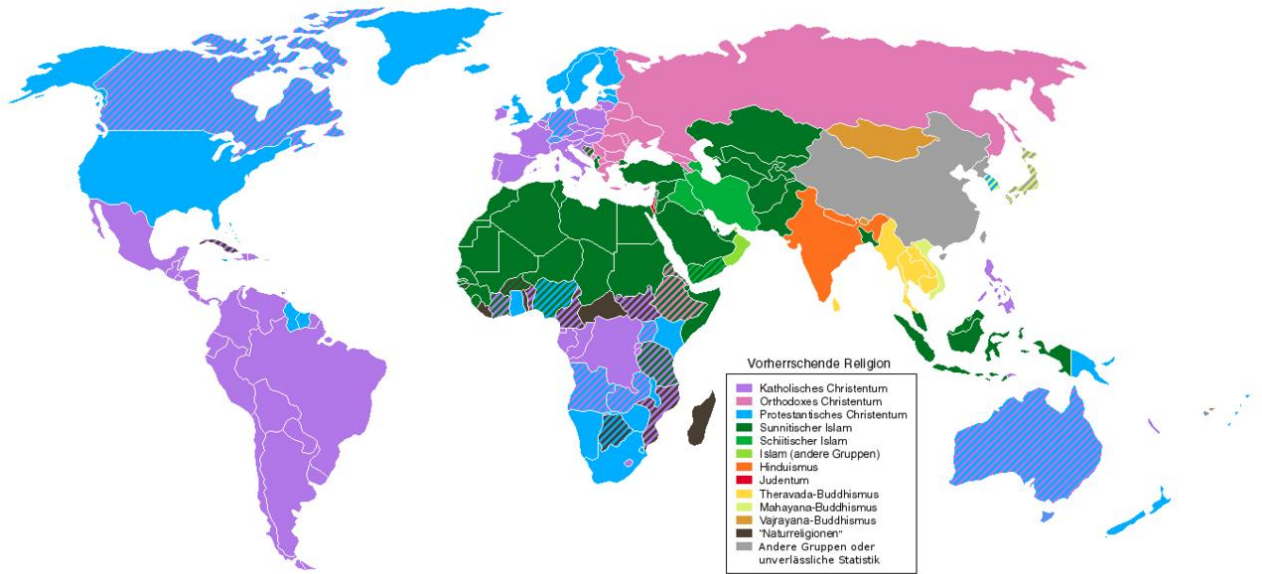
فعالیت کلاسی

به دو نمودار ذیل توجه کنید (این نمودارها در کتاب به فارسی ترجمه می شوند)

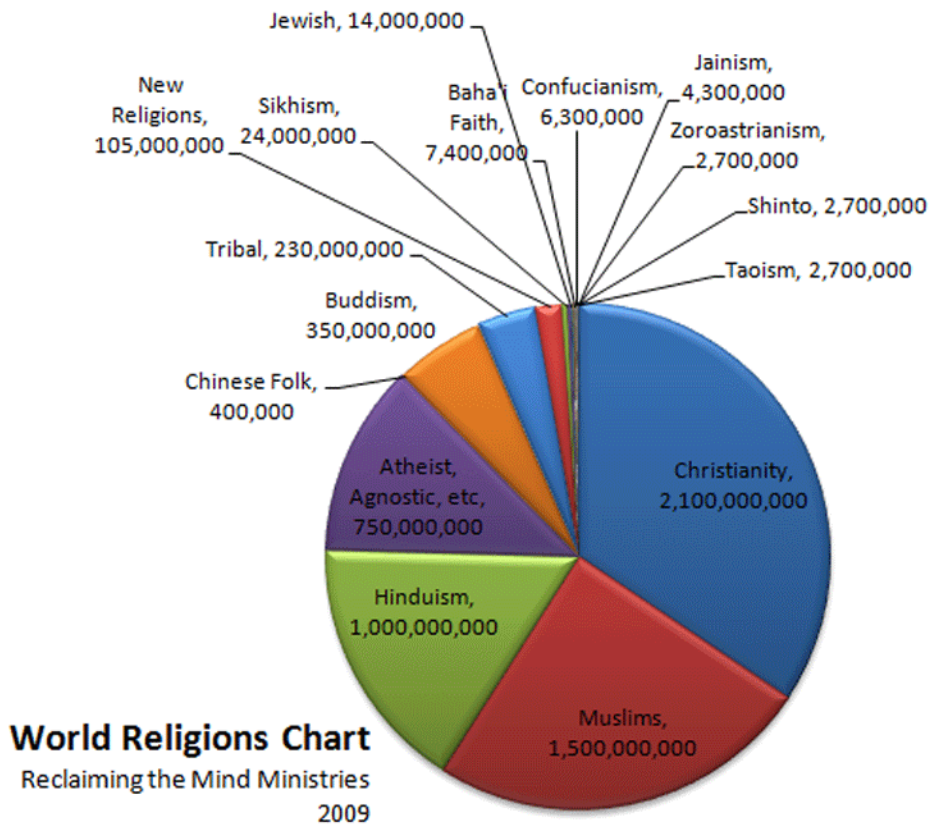
^۱سوره آل عمران، آیه ۸۵.

^۲سوره بقره، آیه ۱۳۶

این نمودار پراکندگی ادیان در کره زمین را نشان میدهد:



این نمودار نیز جمعیت پیروان ادیان را نشان می‌دهد:



به نظر شما، چرا پیروان سایر ادیان پیرو دین آخرین پیامبر الهی نمی‌شوند و همچنان بر دین خود باقی مانده‌اند؟
و چرا از جمعیت هشت میلیاردی دنیا فقط یک و نیم میلیارد نفر مسلمان هستند؟

رو نیاوردن پیروان سایر ادیان به آخرین و کامل ترین برنامه زندگی بشر دلایل گوناگونی دارد که در این جا به ذکر برخی از آن ها می پردازیم:

۱. **جهل و بی اطلاعی:** یکی از دلایل اساسی عدم گرایش سایر ادیان به دین اسلام عدم آگاهی آنان از دین اسلام و محاسن آن است. همواره بزرگان سایر ادیان به دلیل منافع مادی ای که برای آنان وجود دارد سعی می کنند اجازه ندهند پیروان دین شان به دین اسلام تمایل پیدا کنند. این امر موجب می شود هم جلوی تبلیغ اسلام را بگیرند و هم اینکه در حد توان اطلاعات نادرستی نسبت به حقایق این دین ارائه کنند تا مردم تمایلی به آن پیدا نکنند و حتی نسبت به آن متنفر نیز شوند. این امر دقیقا کاری است که امروزه در دنیا علیه دین اسلام صورت می گیرد و با تبلیغات گسترده مردم دنیا را نسبت به دین اسلام بدبین می کنند و حتی مردم را تشویق به فعالیت علیه دین اسلام می کنند.
۲. **عملکرد نامناسب مسلمانان:** سیره انبیاء و ائمه نشان می دهد که افراد با دیدن رفتار و اعمال آنان شیفته دین شان می شدند، بدون اینکه کلمه ای قبل از آن از دین شان تبلیغ کرده باشند. اگر مسلمانان از سیره ایشان پیروی نمایند و واقعا به دین اسلام به صورت کامل عمل کنند و آثار زیبای آن را در تمام عرصه های زندگی خود نشان دهند بدون اینکه تبلیغی برای گرایش دیگران به دین اسلام انجام دهند، پیروان سایر ادیان به دین اسلام گرایش می یابند. اما متأسفانه عملکرد برخی از مسلمانان نه تنها بر اساس تعلیمات دینی نیست بلکه عکس آن می باشد. بنابراین از علل اساسی که موجب می شود پیروان سایر ادیان به دین اسلام گرایش پیدا نکنند نامسلمانی مسلمانان است.

برای مطالعه

برای این که با سرنوشت دیگر کتاب های آسمانی آشنا شویم، وضعیت آخرین کتابی که قبل از قرآن کریم نازل شده - یعنی انجیل - را که کتاب حضرت عیسی بود، بررسی می کنیم.

کتاب انجیلی که اکنون در دست مسیحیان است، خود از چهار انجیل به نام های انجیل متی، انجیل مرقس، انجیل لوقا و انجیل یوحنا تشکیل شده است. این انجیل ها به نام نویسندگانشان که از یاران و پیروان حضرت عیسی علیه السلام بوده اند، نامگذاری شده اند.

مورخان نوشته اند که پس از عروج حضرت عیسی علیه السلام به ملکوت، هیچ اثری از کتاب انجیل در میان مردم نبود. پس از گذشت مدتی، هر یک از یاران حضرت عیسی یا شاگردان آنها، برداشت ها،

خاطرات و الهامات خود را از آن حضرت نوشتند و نام انجیل بر آن نهادند؛ به گونه ای که ده انجیل تألیف شد. سال ها در میان مردم انجیل های مختلفی وجود داشت تا این که حدود دو قرن بعد، شورای مرکزی مسیحیان تصمیم گرفت که انجیل هایی که احتمال نزدیکی بیشتری به انجیل واقعی را دارند مشخص کنند و اجازه انتشار به سایر انجیل ها را ندهند. از این رو چهار انجیل ذکر شده را ، با وجود اختلافی که با هم دارند، انجیل راستین و انجیل های دیگر را انجیل های جعلی و دروغین نامیدند. در حالی که حضرت عیسی علیه السلام فقط یک انجیل آورده بود. (برای مطالعه بیشتر در این خصوص به مقدمه آقای جمشیدی غلامی نهاد بر کتاب « انجیل برنابا» (نشر نیایش) مراجعه کنید.)